

مروری بر تاریخچه بیمارستانی که ۹۳ سال پیش در کوچه پاچنار تأسیس شد

روایتی از مجهزترین بیمارستان شهر در دهه ۱۳۰۰

آغاز فعالیت میسیون‌های آمریکایی در ایران

برخی از منابع تاریخی از دکتر و. تورنس به عنوان نخستین پزشک میسیونر در ایران نام می‌برند؛ اما بر پایه گزارش‌های هیئت میسیونرهای آمریکایی، دکتر آساهر گرانث با همراهی کشیش جاستین پرکینز اولین کسانی بودند که در قالب میسیون مذهبی اجازه فعالیت در ایران را دریافت کردند و به میان آسوری‌های ارومیه رفتند. تأسیس نخستین مدرسه پسرانه و دخترانه، برپایی کلیسا، ایجاد کتابخانه و از همه مهم‌تر انتشار روزنامه «زاهر یادی باهرا» از جمله کارهای گرانث و پرکینز در ارومیه بود. ولی آن چیزی که بیش از هر چیز دیگری باعث شهرت و محبوبیت این دونفر به‌ویژه در میان مسلمانان آن منطقه شد، اقدامات پزشکی بی‌دریغشان و شخصیت و منش در خور تحسینشان بود. دامنه فعالیت‌های پزشکی‌ها و میسیون‌های مذهبی آمریکایی روز به روز گسترده‌تر شد و به موازات آن مراجعات مردم به آن‌ها به شدت افزایش پیدا کرد. دیگر نه تنها در ارومیه بلکه کردهای ساکن موصل و اهالی دیگر مناطق آذربایجان هم آوازه گرانث و همکارانش را شنیده بودند و می‌خواستند ببینند که این دکترهای جدید چطور بیماری‌ها را درمان می‌کنند. سال ۱۲۶۱ خورشیدی به پیشنهاد دکتر جوزف کاکران، نخستین بیمارستان آمریکایی با نام «وست مینستر» در ارومیه تأسیس شد. بعدها رشت، همدان، تبریز، مشهد و تهران هم صاحب چنین فضای درمان مجهزی شدند. بیمارستان‌هایی که بیشتر در خدمت اهداف تبلیغی میسیون‌های مسیحی بود.

محمد کاملان - تقریباً هیچ رد و نشانی از این بیمارستان قدیمی شهر مشهد باقی نمانده است. ساختمان و باغ آن به چند قسمت تقسیم شده است و بخشی از اداره بهداشتی استان خراسان رضوی و کتابخانه «امامین همامین (ع)» را در آن ساخته‌اند. در کتاب‌ها و منابع تاریخی و حتی پزشکی، که گوشه‌ای از تاریخچه خدمات درمانی در مشهد را بازگو کرده‌اند، هم به‌ندرت درباره این بیمارستان معروف، که در دوره‌ای تقریباً همه‌ی بار درمان مردم و حتی جذامی‌ها را به دوش می‌کشیده، صحبتی شده است. اهالی قدیمی کوچه و یا بهتر بگوییم محله قدیمی پاچنار، بیشترشان از آنجا کوچ کرده‌اند و خانه‌شان تبدیل به هتل و مسافر خانه شده است. بسیاری از آن‌هایی هم که تصویر خوب و درستی از بیمارستان داشته‌اند، چندسالی می‌شود که فوت کرده‌اند و خاطر اتشان دفن شده است. کسانی که زنده هستند تنها تصویرشان از این بیمارستان بر خورد خوب دکترها و پرستارها و انجیل خوانی و دوچرخه‌سواری پرستارهای خانم در خیابان «شهید هاشمی‌نژاد» فعلی است. چیزی در حدود ۹۳ سال از تأسیس بیمارستان و مدرسه «پرستاری میسیونری آمریکایی» در مشهد می‌گذرد، بیمارستانی که بیشتر پوششی برای فعالیت‌های مذهبی و تبلیغی میسیون‌های آمریکایی در مشهد بود.

پزشکی که کشیش بود

«اگر اشتباه نکنم پنج‌شش ساله بودم که برای درمان مرضی‌ام به بیمارستان آمریکایی‌ها رفتم. اینقدر بر خورد پرستارها و دکترها با ما خوب و مهربانانه بود که تعجب کرده بودیم. موقعی هم که از آنجا ترخیص شدم یک کتاب به ما دادند که بعدها فهمیدم انجیل بوده است. یادم هست اهالی تعریف می‌کردند که این بیمارستان پزشکی دارد که صبح‌ها مریض می‌بیند و بعداً ظهرها لباس کشیش‌ها را می‌پوشد و در مراسم مذهبی مسیحیان انجیل می‌خواند و دعا می‌کند.»

این جملات جزو معدود خاطرات و تصویرهایی است که غلامرضا حاجی‌زاده، شهروند منطقه‌ای، از بیمارستان آمریکایی‌ها دارد؛ اما این پزشک‌ها و پرستارهایی که به آن‌ها میسیون می‌گفتند چه‌طور سروکله‌شان در ایران و بعد مشهد پیدا شد و اصلاً چرا در قالب خدمات پزشکی دین و آیینشان را تبلیغ می‌کردند؟

رابطه ایرانی‌ها و آمریکایی‌ها به سده دوازدهم خورشیدی برمی‌گردد. جایی که دو کشور فقط در عرصه تجاری، آن هم به صورت محدود با هم همکاری می‌کردند و این رابطه کم و مقطعی به هیچ عنوان نمی‌توانست باعث گسترش فعالیت فرهنگی آمریکایی‌ها در ایران شود. گزارش‌های بازرگانان و برخی از وابستگان سیاسی آمریکایی که با کاروان‌های تجاری به ایران می‌آمدند، حاکی از این بود که وضعیت بهداشت و درمان در ایران دوره ناصری اسفناک است و ساده‌ترین بیماری‌ها به راحتی مردم را از پا درمی‌آورد. نیاز شدید مردم به پزشک و دارو و درمان فرصت مناسبی در اختیار میسیونرهای آمریکایی گذاشت تا با استفاده از این احتیاج به ایران وارد شوند و در قالب درمان شروع به تبلیغ دین مسیحیت کنند. برای همین در سال ۱۸۳۲ میلادی اسمیت و دوایت از طرف هیئت میسیونرهای آمریکایی برای میسیون‌های خارجی مأمور شدند که به خاور نزدیک و به‌ویژه ایران بیایند و شرایط را برای آغاز کار در ایران بسنجند.

بالاخره پایشان به مشهد هم باز شد

شهر مشهد همیشه به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز جمعیتی ایران مورد توجه میسیون‌های مذهبی آمریکایی قرار داشته و به صورت مرتب ارزیابی می‌شده است، تا آنجا که کارشناسان میسیونرهای آمریکایی در گزارش‌های خودشان به صورت مداوم به این نکته اشاره می‌کردند که زمینه فعالیت در این شهر کاملاً فراهم است، به‌ویژه آنکه در آن زمان اقلیت‌های یهودی که در دوره نادرشاه افشار به مشهد کوچانده شده بودند، هنوز در این شهر زندگی می‌کردند و همین موضوع مبلغان مسیحی را تحریک می‌کرد که در میان آن‌ها به تبلیغ مسیحیت بپردازند. نخستین آمریکایی‌ای که پایش به مشهد باز شد تا درباره تأسیس بیمارستان و مهم‌تر از آن فعالیت میسیون‌ها در این شهر نظر نهایی را بدهد، جیمز بایست با تاجر به بود که پیش از این کالج آمریکایی یا همان دبیرستان «البرز» کنونی را در تهران تأسیس کرده بود. گزارش مثبت بایست از فضای مشهد، میسیونر آمریکایی را مجاب کرد که دامنه فعالیتش را تا این شهر گسترش دهد و برای همین، لوییس اسلستین را در سال ۱۲۷۴ خورشیدی به مشهد فرستادند. کسی که هم اکنون در قبرستان مسیحیان مشهد دفن است و می‌گویند در دوران حضورش در شهر، چند نفری را هم به دین مسیح درآورد. ظاهراً همین فعالیت‌های بی‌پرده و مستقیم اسلستین باعث خشم مردم می‌شود و حضور اولش در مشهد یک سال بیشتر طول نمی‌کشد. لوییس اسلستین سال ۱۲۹۰ خورشیدی

